



کتاب خلاصه مقالات

دومین کنگره سراسری

خانواده و

مشکلات جنسی

۲ و ۳ آذر ماه سال ۱۳۸۲

تهران - ایران

**بررسی مقایسه ای میزان اضطراب، استرس و افسردگی در زنان آزار دیده جنسی و****غیر آزار دیده**

حمید رضا آقا محمدیان شعریاف\*، سلیل ضیایی، مونا افشار

\* عضو هیأت علمی گروه روانشناسی دانشگاه فرودسی مشهد.

**مقدمه:** زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور عموماً در معرض انواع خشونت ها بوده اند. در فرهنگ حقوقی خشونت به عنوان هر نوع استفاده نا بجا و غیرقانونی و تعرض آمیز از قدرت و یک نوع اجبار غیر قانونی که علیه آزادی و حقوق عمومی به کار برده می شود تعریف گردیده است. در ارتباط با جرایم خشونت آمیز نیز به جرایمی اشاره دارد که جنبه جسمی یا جنسی آن بی نهایت شدید است. در این پژوهش سعی شده است به آثار سوء به حای مانده از خشونت جنسی و علل و ریشه های آن همچنین آگاه کردن عموم از جنبه های مختلف آن پرداخته شود.

**اهداف:** هدف از انجام این پژوهش بررسی آثار سوء روانی ایجاد شده در زنان آزار دیده جنسی، بررسی علل ایجاد ریشه های خشونت جنسی و عوامل موثر در پیشگیری از بروز خشونت و آگاه کردن عموم از جنبه های سوء آن می باشد.

**روش:** روش انجام این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. این پژوهش شامل دو گروه ۲۰ نفری از زنان آزار دیده جنسی از سوی شوهر می باشد که به پزشکی قانونی واحد جنوب شرق مشهد مراجعه کرده اند و زنان متاهل غیر آزار دیده که به صورت انتخاب تصادفی از مناطق ۱۷-۱۲ شهرداری مشهد انتخاب شده اند. دامنه سنی نمونه ها ۱۵ تا ۶۵ سال بوده است. برای جمع آوری داده ها از تست DASS 21 به همراه مصاحبه استفاده شد. اعتبار این تست در ایران و مشهد مورد بررسی قرار گرفت و ارزش آلفا برای اضطراب ۰/۷۱، افسردگی ۰/۷۷ و استرس ۰/۸۰ به دست آمد. همچنین برای محاسبه روانی از روش روانی ملاک استفاده شده است بدین صورت که ضریب همبستگی تست BDI و مقیاس استرس ادراک شده و مقیاس اضطراب زونگ با خرده مقیاس های آزمون DASS 21 به ترتیب برای افسردگی ۰/۶۶، استرس ۰/۴۹ و اضطراب ۰/۶۷ گزارش شده است.

**یافته ها:** نتایج به صورت میانگین  $\pm$  انحراف معیار با استفاده از Un pair t-test با یکدیگر مقایسه شدند و  $P < ۰/۰۵$  معنی دار در نظر گرفته شد. میانگین متغیر های وابسته به ترتیب در گروه عادی و آزار دیده جنسی عبارت است از: استرس  $۹/۶۹ \pm ۱۹/۲$ ،  $۹/۰۵ \pm ۲۷/۰۵$  اضطراب  $۷/۰۶ \pm ۱۰/۷۲$  و  $۸/۴۹ \pm ۲۲/۳۸$  افسردگی  $۶/۰۹ \pm ۱۲/۷$  و  $۹/۰۹ \pm ۲۴/۴$  بنابراین آزمون T، اختلاف معنی دار در دو گروه در سطح  $P < ۰/۰۰۱$  نشان داد. در مقایسه انحراف معیار هر متغیر بین دو گروه اختلاف معنی داری مشاهده نشد. همچنین میزان در آمد، وضعیت اشتغال و میزان تحصیلات نیز به عنوان متغیر کنترل لحاظ گردید.

**بحث و نتیجه گیری:** عوامل استرس زای روانی اجتماعی و رویدادهای تنش زا در بروز نشانگان افسردگی، استرس و اضطراب موثرند. کرانتر و گرنبرگ و بیم (۱۹۸۶) استرس را موقعیت درونی فردی می دانند که تهدیدی را نسبت به وضعیت جسمی و یا آرامش روانی خود احساس کرده باشد. چاپلین (۱۹۷۵) معتقد است که اضطراب واکنش فرد در مقابل یک موقعیت ضربه آمیز است که در آن

فرد زیر تاثیر تحریکات درونی، مسبب افسردگی در زنان آزار دیده جنسی قرار گرفته است. عزت نفس، احساس ناامیدی، روپشاد تنش زا و تهدیدی عیب بطور مداوم از جلب همسران احساس ناامیدی قرار می گیرند. در نتیجه آمادگی آنان برای تحصیل، میزان ابتلا به اختلالات استرس، اضطراب

۱۶ -

جنسی و

وده اند ، در  
ز از قدرت و  
سف گردیده  
یا جنسی  
نای مانده از  
مختلف آن

ازار دیده  
نیری از بروز

مل دو گروه  
حد جنوب  
تصادفی از  
سال بوده  
شد اعتبار  
طراب ۰/۷۱ ،  
روش روانی  
س استرس  
رتیب برای

با یکدیگر  
به ترتیب  
۲۷/۰۵± ۹/۰  
۲۴/۴± ۹/۰  
در مقایسه  
میزان در آمد

بروز نشانگان  
نرونی فردی  
گرفته باشد  
ست که در آن

فرد زیر تاثیر تحریکات درونی و بیرونی واقع شده و خود را در مهار آن ناتوان می بیند. یکی از عوامل  
مسبب افسردگی در زنان آزار و اذیت است ، بررسی هان نشان می دهد زنانی که در کودکی و بزرگسالی  
مورد آزار جنسی قرار گرفته اند بیشتر به افسردگی مبتلا می شوند که احتمالا به دلیل پایین آمدن  
عزت نفس ، احساس ناامیدی ، خودسرزنی و انزوای اجتماعی به وجود می آید. خشونت جنسی یک  
رویداد تنش زا و تهدیدی علیه ارگانیزم است که قربانی خود را در مهار آن ناتوان می بیند. زنانیکه به  
طور مداوم از جانب همسران خود مورد آزار جنسی واقع می شوند در معرض کاهش شدید عزت نفس و  
احساس ناامیدی قرار می گیرند و به تبع آن احساس بی ارزشی و خودسرزنی در آنان به وجود می آید  
، در نتیجه آمادگی آنان برای بروز نشانه های اختلالات روانی مثل استرس ، اضطراب و افسردگی بیشتر  
از زنان عادی است. در این پژوهش نیز با کنترل کردن متغیرهای میزان در آمد وضعیت اشتغال و  
تحصیل ، میزان ابتلا به اختلال فوق در گروه زنان آزار دیده جنسی بطور معناداری متفاوت و بیشتر  
از گروه عادی بود بنابراین می توان نتیجه گرفت که خشونت جنسی یکی از عوامل موثر در ابتلا به  
اختلالات استرس ، اضطراب و افسردگی است.